

● دکتر علی اکبر خدری زاده  
استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شهرری

## گذرگاه ملت



■ انجمن‌های عصر مشروطه

■ تألیف: دکتر فاروق خرابی

■ تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۶

### مقدمه

پیدایش انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های آزاد سیاسی و صنفی را می‌توان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب مشروطه ایران دانست. تشکیل این دسته از انجمن‌ها به احتمال بسیار ریشه در دوران مبارزه با استبداد قاجارها داشته است. به بیان دیگر، فعالیت انجمن‌های انقلابی از قبیل انجمن مخفی و انجمن ملی را در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت شاید بتوان الگویی مناسب برای شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های آزاد اعم از انجمن‌های سیاسی طرفدار یا مخالف مشروطه صنفی و اقلیت‌های دینی در نظر گرفت.

پیش از تصویب قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، ابتدا براساس ماده‌ی ۹ نظام‌نامه‌ی انتخابات، نخستین انجمن در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ / ۷ اکتبر ۱۹۰۶ در تبریز تشکیل یافت که هدف اصلی آن، نظارت بر انتخابات مجلس شورایی ملی در آن شهر بود. علاوه بر آن، در شهرهای دیگر همچون رشت، اصفهان، شیراز و کرمان نیز انجمن‌هایی به همین منظور به وجود آمد. با پایان یافتن انتخابات، محمدعلی میرزا ولیعهد تصمیم گرفت انجمن تبریز را تعطیل کند اما آزادی‌خواهان آن شهر زیر بار تصمیم وی نرفتند. از این رو، محمدعلی میرزا هم طی دست‌خطی به تاریخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۴ / ۴ نوامبر ۱۹۰۶ ناگزیر به پذیرش ادامه فعالیت انجمن شد.<sup>۱</sup>

از این تاریخ به بعد، انجمن‌های تبریز، اصفهان، رشت، کرمان، خراسان و چند شهر دیگر تلاش بسیار برای تصویب قانونی به نام قانون تشکیل «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» از خود نشان دادند تا آن که در ۳۰ صفر ۱۳۲۵، مجلس، قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را به تصویب رساند و انجمن‌های مزبور را نماینده‌ی دولت خواند.<sup>۲</sup> سپس، مجلس برای رفع هرگونه ابهام، تلگرافی به همه نقاط کشور مخابره کرد و در آن خاطر نشان ساخت که، از ممالک ایران فقط چهار مملکت آذربایجان، خراسان، فارس، کرمان و بلوچستان به عنوان ایالت مقبول شد و سایر ممالک ایران تماما

به عنوان ولایت شناخته شده و فقط در شهر حاکم‌نشین هر ولایت انجمن ولایتی تشکیل خواهد شد.<sup>۳</sup> ولایات مزبور شامل کرمانشاه، بروجرد، اصفهان، یزد، عراق (اراک) استرآباد، مازندران، کردستان، رشت، قزوین و بوشهر می‌شد.<sup>۴</sup> هم‌چنین تصریح شد که نمایندگان انجمن‌ها از میان طبقات شش‌گانه (علماء، شاهزادگان، اعیان، تجار، ملاکین و فلاحین، کسبه و اصناف) انتخاب شوند. در مورد تشکیل انجمن بلوکات نیز به دلیل نفوذ مالکان بزرگ و جلوگیری از درگیری احتمالی انجمن با ملاکین، موانعی ایجاد شد. به علاوه آن که اکثر حاکمان محلی به نظام گذشته وفادار بودند و اجازه فعالیت به انجمن‌ها نمی‌دادند.

انجمن‌های ایالتی دارای ۱۲ نفر عضو از مرکز ایالت، و انجمن‌های ولایتی دارای ۶ نفر عضو از مرکز ولایت بودند. علاوه بر آن، از هر ولایت تابع ایالت، یک نفر به انجمن ایالتی و از هر بلوک تابع ولایت، یک نفر به انجمن ولایتی اضافه می‌شد. انتخاب‌کنندگان اعضای انجمن‌های ایالتی در شهرها باید حائز این شرایط می‌بودند: ۱- تابعیت ایران، ۲- داشتن ۲۰ سال تمام، ۳- دارا بودن ملک یا خانه در آن ایالت یا دادن مالیات مستقیم. البته اشخاصی که مرتکب جنحه یا جنایتی شده بودند و یا اشخاصی که معروف به فساد عقیده یا مرتکب قتل یا سرقت شده بودند یا اشخاص ورشکسته به تفسیر و زنان و افراد نابالغ حق انتخاب نداشتند.<sup>۵</sup>

از جمله وظایف مهم انجمن‌ها، نظارت در اجرای قوانین مقرر و رسیدگی به امور خاصه ایالت بود. از جمله رسیدگی به شکایات مردم از حکام، نظارت بر انتخابات ایالات و وصول مالیات و غیره. فعال‌ترین این انجمن‌ها که نقش مهمی در تحولات سیاسی عصر مشروطه ایفا کردند، عبارت بودند از: انجمن ایالتی آذربایجان، انجمن ایالتی کرمان، انجمن ولایتی رشت و انجمن ولایتی اصفهان.

علاوه بر انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به‌طور رسمی در اغلب مناطق کشور فعال بودند، انجمن‌هایی در این دوره تشکیل شد که فعالیت آن‌ها تا پیش از تصویب اصل ۲۱ متمم قانون اساسی، جنبه قانونی نداشت.

## انجمن تبریز از همان آغاز به مراجع شکایات و تظلمات اهالی تبدیل شد



از همان آغاز به مراجع شکایات و تظلمات اهالی تبدیل شد. با توجه به گستردگی امر پیدا بود که دیر یا زود انجمن ناچار خواهد بود اصول و ضوابطی را جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی تنظیم نماید ... پس از چندی انجمن، تصمیم به تشکیل دادگاه تجدیدنظر و یا به اصطلاح استیناف گرفت.<sup>۲</sup>

و یا در خصوص موانع و مشکلاتی که حکام محلی بر سر راه تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد می‌کردند، به صراحت می‌نویسد: «تشکیل انجمن‌ها در سایر نقاط کشور نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو بود. حکام مستبد ایالات و ولایات به سادگی پذیرای شرایط نوین نبوده و سعی داشتند به همان شیوه‌ی دیرین عمل نمایند.»<sup>۳</sup> در جای دیگر نیز با استناد به اسناد و شواهد کافی، خاطر نشان می‌سازد که در بسیاری از مناطق کشور، انجمن‌ها نتوانستند از تأثیر نفوذ گروه‌های قدرت بر کنار بمانند. اوضاع و احوال مشخص اجتماعی و حضور قدرتمند ایالات و عشایر و نفوذ بزرگ مالکان و روحانیون مانع از گسترش جنبش مشروطه شده و در مواردی عملاً جنبش توده‌ی مردم شهری را با موانع آشکاری مواجه می‌ساخت.<sup>۴</sup>

نویسنده در همان آغاز کتاب، شکل‌گیری انجمن‌های عصر مشروطه را گامی در جهت توسعه‌ی سیاسی و نخستین تجربه‌ی مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی - اجتماعی قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «انجمن‌های صدر مشروطه عملاً به حیطة‌ای برای پرورش سیاسی تبدیل شدند و از این لحاظ نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. از این رو، می‌توان انجمن‌های صدر مشروطیت را مکتبی برای تربیت کادرهای سیاسی کشور و پیش‌درآمد احزاب و جمعیت‌های سیاسی بعدی تلقی کرد.»<sup>۵</sup>

در مورد چگونگی پیدایش انجمن‌ها نیز بر این باورند که شکل‌گیری آن‌ها به صورت خودجوش و بدون نقشه و برنامه‌ی قبلی بوده است و اضافه می‌کند که انجمن به عنوان نوعی از تشکل اجتماعی و فعالیت

اما با تصویب این اصل، فعالیت انجمن‌های آزاد سیاسی و صنفی جنبه قانونی یافت و تعداد آن‌ها روبه فزونی نهاد. از این رو، علاوه بر انجمن‌هایی نظیر انجمن برادران دروازه قزوین، مظفری، شاه‌آباد و طلاب که دارای خصلت سیاسی بودند، انجمن‌هایی با ماهیت صنفی؛ ولایتی و اقلیت‌های دینی در تهران و برخی ایالات و ولایات، تشکیل شد از قبیل انجمن آذربایجان، انجمن اصفهان، انجمن شیراز، انجمن زرتشتیان، انجمن مستوفیان و لشکرنویسان که در تهران فعالیت داشتند.<sup>۶</sup> براین اساس، می‌توان انجمن‌های عصر مشروطه را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: الف - انجمن‌های رسمی یا ایالتی و ولایتی ب - انجمن‌های آزاد (اعم از انجمن سیاسی مشروطه‌خواه یا مخالف مشروطه، انجمن اصناف، انجمن‌های ولایتی در تهران و انجمن اقلیت‌های دینی).

معرفی و ارزیابی اجمالی کتاب: کتاب «انجمن‌های عصر مشروطه» در دو بخش تدوین یافته است. در بخش نخست، چگونگی پیدایش انجمن‌های رسمی (ایالتی و ولایتی)، و در بخش دوم عمل کرد انجمن‌های آزاد، به روش علمی و غیر جانب‌دارانه مورد بررسی قرار گرفته است.

نحوه‌ی تشکیل انجمن تبریز و سایر شهرهای بزرگ ایران؛ فهرست اسامی انجمن‌های رسمی (ایالتی و ولایتی)؛ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی؛ ویژگی‌های انجمن‌های رسمی؛ حیطة‌ی فعالیت انجمن‌های رسمی؛ نقش انجمن‌های رسمی در تصویب متمم قانون اساسی و جایگاه انجمن‌ها در رسیدگی به شکایات و معضلات قضایی و حقوقی، اهم مطالب بخش اول را شامل می‌شود. در این بخش، مؤلف با احاطه‌ی کامل نسبت به منابع دست اول تاریخ مشروطه و رعایت اصول و روش تحقیق و اجتناب از هرگونه پیش‌داوری و یا غرض‌ورزی خاص سیاسی به تبیین و ارزیابی عمل کرد انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخته است. به‌عنوان مثال در بررسی فعالیت انجمن تبریز (انجمن ایالتی آذربایجان) و نقش آن در رسیدگی به شکایات و تظلمات اهالی آن شهر می‌نویسد: «انجمن تبریز



**بخش اول کتاب علی‌رغم ارزش و اعتبار  
قابل توجهی که داراست و اطلاعات  
مفیدی که در مورد برخی از انجمن‌های  
ایالتی و ولایتی به خواننده‌ی خود ارائه  
می‌دهد، نسبتاً خلاصه است**

فعالیت انجمن‌های آزاد در زمینه‌ی مسائل آموزشی فرهنگی؛ فعالیت‌های انجمن‌های آزاد در حیظه امور اجتماعی؛ انجمن‌ها و اتهام سوءاستفاده‌ی مالی؛ انجمن‌ها و مطبوعات؛ اقلیت‌های مذهبی و انجمن‌های تأسیس شده توسط آن‌ها؛ انجمن‌های مخالفان (انجمن‌های کاذب مجازی)؛ قضاوت در مورد انجمن‌ها؛ و تک‌نگاری شماری از انجمن‌ها. در قسمت ضمایم نیز فهرست انجمن‌های آزاد در تهران؛ انجمن‌های آزاد در شهرستان‌های ایران و انجمن‌های رسمی درج شده است.

در این بخش نیز، نگرش نویسنده نسبت به عمل کرد انجمن‌های آزاد سیاسی (ملی یا طرفدار مشروطه) منصفانه و مبتنی بر اسناد و مدارک و شواهد معتبر تاریخی است. وی برخلاف برخی از پژوهش‌گران تاریخ مشروطه، نظیر فریدون آدمیت - که نظر مساعدی نسبت به انجمن‌ها ندارد و تندروی انجمن‌های ملی را یکی از عوامل شکست مشروطه قلمداد می‌کند<sup>۳۱</sup> - کارنامه‌ی فعالیت انجمن‌ها را در مجموع مثبت ارزیابی می‌کند.

دسته‌جمعی ریشه در فرهنگ و جامعه ایران دارد. نمونه بارز آن هم هیأت‌های مذهبی از قبیل هیأت‌های عزاداری است که به مثابه انجمن فعالیت داشته‌اند.<sup>۳۱</sup> در عین حال فعالیت گروهی از اصلاح‌طلبان دیوانی و روحانی در تشکیل «انجمن معارف» و انجمن‌های سیاسی دوره‌ی سلطنت مظفرالدین شاه را منشأ اصلی پیدایش انجمن‌های عصر مشروطه معرفی می‌کند و الگوبرداری انجمن‌های عصر مشروطه از سویت‌های انقلاب روسیه را بسیار بعید می‌داند.<sup>۳۲</sup>

بخش اول کتاب علی‌رغم ارزش و اعتبار قابل توجهی که داراست و اطلاعات مفیدی که در مورد برخی از انجمن‌های ایالتی و ولایتی - به ویژه انجمن ایالتی آذربایجان و اصفهان - به خواننده‌ی خود ارائه می‌دهد، نسبتاً خلاصه است. و لذا راجع به عمل کرد سایر انجمن‌های ایالتی و ولایتی - احتمالاً به دلیل کمبود منابع دست اول تاریخی - صرفاً به گزارش‌های مختصری اکتفا کرده است.

بخش دوم نیز که قسمت اعظم کتاب را تشکیل می‌دهد، به بررسی عمل کرد انجمن‌های غیر رسمی (آزاد) پرداخته است. در بخش مزبور، نحوه‌ی شکل‌گیری و فعالیت انجمن‌های ملی (مشروطه‌خواه)، اقلیت‌های مذهبی، مخالفان مشروطه (انجمن‌های کاذب مجازی) و نقش آن‌ها در توسعه‌ی فرهنگی و تحولات سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. مطالب و موضوعات فصول پانزده‌گانه این بخش عبارتند از: پیدایی و ساختار تشکیلات انجمن‌ها؛ فعالیت انجمن‌های ملی و مداخله‌ی آن‌ها در امور اجرایی؛ شیوه‌های عمل و مبارزه‌ی انجمن‌ها؛ ارگان‌های هماهنگ‌کننده‌ی انجمن‌ها؛ منازعه‌ی انجمن‌ها و اتابک اعظم؛ انجمن‌ها و ماجرای توپ‌خانه؛ انجمن‌های ملی تهران و برکناری رئیس مجلس؛



او هم چنین مداخله‌ی انجمن‌ها را در امور کشور در یک دوره تحول انقلابی، عجیب نمی‌داند و بر این باور است که این موضوع «تقریباً در جریان تمامی انقلاب‌های بزرگ قابل مشاهده بوده و با توجه به شرایط حاکم تا اندازه‌ای نیز طبیعی می‌نماید.»<sup>۴۱</sup> وی در تبیین علل و عوامل پیدایش چنین وضعیت اجتناب‌ناپذیری می‌نویسد: «فروپاشی قدرت حاکمه به دنبال تغییر رژیم سیاسی کشور، فقدان قوانین و مقررات جدید، معلوم نبودن تکالیف، بی‌عملی و در مواردی خلاف‌کاری کارکنان دستگاه اجرایی، گردن‌کشی زورمندان محلی و تجاوز آن‌ها به حقوق اهالی، نازل بودن سطح آگاهی اجتماعی و فقدان تجربه‌ی سیاسی و بسیاری عوامل دیگر، معمولاً زمینه را برای بروز رفتارهای سیاسی خارج از قاعده‌ی فردی و گروهی فراهم می‌آورند.»<sup>۴۲</sup> از بعد روان‌شناختی اجتماعی نیز می‌افزاید: «مردمانی که هزاران سال از هرگونه مشارکت در حیات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود محروم بودند، اینک مجال یافته و شاید به طور ناخودآگاه قصد داشتند جبران مافات؛ یعنی جبران دوران رعیت بودن خود را بنمایند.»<sup>۴۳</sup>

در مجموع، با بررسی بخش اول و فصول پانزده‌گانه‌ی بخش دوم کتاب، می‌توان انجمن‌های عصر مشروطه را به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد: الف انجمن‌های رسمی (انجمن‌های ایالتی و ولایتی) مانند انجمن ایالتی آذربایجان، انجمن ایالتی اصفهان و انجمن ولایتی رشت. ب انجمن‌های غیررسمی یا آزاد. انجمن‌های آزاد را نیز باید در دو گروه قرار داد: ۱- انجمن‌های آزاد در تهران ۲- انجمن‌های آزاد در شهرستان‌ها.

۱- انجمن‌های آزاد در تهران: انجمن‌های مزبور را می‌توان با توجه به عملکردشان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف - انجمن‌های ملی یا انجمن‌هایی که به مشروطه‌خواهان تندرو منصوب بودند، مانند انجمن برادران دروازه قزوین و انجمن شاه‌آباد که عناصر وابسته به استبداد و محافظه‌کار و حتی مشروطه‌خواهان میانه‌رو (معتدل) را تحت فشار انتقادهای شدید خود قرار می‌دادند.

ب - انجمن‌های کاذب مجازی که غالباً وابسته به دربار محمدعلی شاه و مخالفان مشروطه بودند از قبیل انجمن خدمت، اکابر، همت‌آباد، اعیان، آل محمد، فتوت و غیره. انجمن‌های مزبور را از نظر انگیزه و اهداف تشکیل و نیز عملکرد می‌توان به سه دسته تفکیک کرد:

۱- انجمن‌هایی که توسط دولت‌مردان قدیم و عناصر طرفدار استبداد تشکیل شدند؛

۲- انجمن‌هایی که به‌وسیله‌ی مخالفان سنتی مشروطه، اعم از روحانیون و یا سایر گروه‌های اجتماعی ناراضی از تحولات جدید تأسیس شدند؛

۳- انجمن‌هایی که توسط افراد شرور یا ماجراجو به صورت مستقل و یا به تحریک محافل خاص تشکیل شدند و دست به فعالیت زدند.<sup>۴۴</sup>

ج - انجمن‌های وابسته به اقلیت‌های مذهبی: با برقراری نظام مشروطه، اقلیت‌های مذهبی، به ویژه زرتشتیان و یهودیان نیز در جهت دفاع از حقوق خود دست به تشکیل انجمن‌هایی در تهران و شهرستان‌ها زدند از قبیل انجمن جوانان یهود، انجمن زرتشتیان تهران، انجمن ناصری کرمان (انجمن زرتشتیان کرمان)، انجمن بهی‌جویان یزد.

د - انجمن‌های اصناف و پیشه‌وران: این گروه از انجمن‌ها عمدتاً با انگیزه‌های صنفی تشکیل یافتند. از قبیل، انجمن اتحادیه اصناف؛ انجمن اتحادیه تلگرافی؛ انجمن برادران و فایبر کفاش‌خانه؛ انجمن عمده‌جات

راه‌آهن اسبی تهران؛ انجمن خبازخانه؛ انجمن لشکرنویس‌ها؛ انجمن ارباب جراید و مربیان نوع.

۲- انجمن‌های آزاد (غیررسمی) در شهرستان‌ها: علاوه بر انجمن‌های متعددی که در تهران به وجود آمد، در شهرستان‌ها نیز انجمن‌های گوناگونی با اهداف خیرخواهانه و یا به انگیزه‌ی طرفداری و یا مخالفت با مشروطه تشکیل شد. این دسته از انجمن‌ها در شهرستان‌ها فعال بودند و در جهت تحقق آرمان‌های مشروطیت و یا مبارزه با آن نقش مؤثری داشتند.

آنچه مسلم است تشکیل انجمن‌های عصر مشروطه، صرف نظر از کاستی‌ها و دخالت‌های بی‌مورد آن‌ها در قوه مجریه، نخستین گام عملی در راستای تشکیل نهادهای مدنی جدید و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی بود. جای‌گاه و اهمیت انجمن‌ها در این دوره آن‌چنان فزونی یافت که حتی افراد فرصت‌طلب و مخالف مشروطه هم که اعتقادی به حضور مردم در تعیین سرنوشت جامعه نداشتند و تشکیل انجمن‌ها را در جهت تضعیف موقعیت و منافع خود می‌دیدند، ترجیح دادند که انجمنی مطابق با اهداف خود تشکیل دهند تا شاید بتوانند از این طریق فعالیت انجمن‌ها را بی‌اثر سازند. از این رو، شاید بتوان عملکرد انجمن‌ها را در مجموع قابل دفاع دانست.

#### پی‌نوشت:

۱- کسروی، احمد؛ تاریخ مشروطه ایران؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹. صص ۴۶۷-۴۶۹.

۲- مذاکرات مجلس اول، ۳۰ صفر ۱۳۲۵.

۳- رفیعی، منصوب؛ انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)؛ تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۵۳.

۴- مجد الاسلام کرمانی، احمد؛ تاریخ انحطاط مجلس؛ مقدمه و تحیشه محمود خلیل‌پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱، ص ۳۶.

۵- مذاکرات مجلس اول، ۳۰ صفر ۱۳۲۵.

۶- جهت آگاهی بیشتر رک. به: ملک‌زاده، مهدی؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ ج ۲، تهران، علمی، ۱۳۶۳. ج ۲، ص ۴۰۷؛ اتحادیه، منصوره؛ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)؛ تهران، گستره، ۱۳۶۱. ص ۱۴۹-۱۶۷.

۷- خرابی، فاروق؛ انجمن‌های عصر مشروطه؛ تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۶۸، ص ۹۵.

۸- همان؛ ص ۴۱.

۹- همان؛ ص ۶۴.

۱۰- همان؛ ص ۱۳.

۱۱- همان؛ همان‌جا.

۱۲- همان؛ ص ۱۴.

۱۳- آدمیت، فریدون؛ ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران؛ ج ۲ (مجلس اول و بحران آزادی)؛ تهران، روشنگران، بی‌تا. صص ۱۳۵-۱۳۹.

۱۴- خرابی؛ انجمن‌های عصر مشروطه؛ ص ۱۴۵.

۱۵- همان؛ همان‌جا.

۱۶- همان؛ ص ۱۴۶.

۱۷- همان؛ صص ۲۳۵-۲۳۶.